

سفرنامه کنت دوگوبینو (۱۸۵۵-۱۸۵۸) "سه سال در آسیا"

ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی

... کنت دوگوبینو در تهران از سال ۱۸۵۵ م تا ۱۸۵۸ م (سلطنت ناصرالدین شاه) به عنوان نفر دوم سفارت فرانسه و سپس کاردار در ایران خدمت کرد و پس از بازگشت به فرانسه، کتاب "سه سال در آسیا" را نوشت و در ۱۸۵۹ م منتشر کرد.

او ناصرالدین شاه (که ۲۵ سال سلطنت کرده و امیرکبیر را به قتل رسانده بود) و میرزا آقاخان نوری، صدراعظم جانشین امیرکبیر را ملاقات کرده و این دو صدراعظم را با هم مقایسه نموده است.

ص ۲۲: ... شرقی‌ها (ایرانیان) به اندازه‌ای کودکان خود را دوست دارند که اصلاً متوجه زشتی بعضی از آنها نمی‌شدند ... (فرزتها) در آسیا سلطان واقعی هستند

ص ۲۳: ... آسیانی (ایرانی) نبوغ بازرگانی خاص خودش را دارد. حریص است و در معامله خونسرد، معمولاً کم جرأت و هرچه قدر ثروتمند باشد، جزء سود، چیزی نمی‌شناسد و به سود کم راضی نیست. وقتی به احداث بیمارستان، مسجد، مدرسه، مرمت جاده‌ها حفر قنوات کمک می‌کند به او مانند یک قدیس مینگرند. اما همین که لباس‌های فاخر بپوشد و از زندگی ساده و البسه چرک و کثیف دست بردارد و به عیش و عشرت پردازد.... همه با نفرت و تحقیر به او مینگرند.

تاجر واقعی کسی است که سفر زیاد می کند و چند بار به مکه رفته و لقب حاجی گرفته باشد، با مقامات روحانی ارتباط داشته باشد، دوستانش در میان ملایان باشند، از مسائل دینی گفتگو بکند.

ص ۵۳: (تعریف جده و عربستان)

ص ۶۵: (ورود به عدن و و تعرف وقایع)

ص ۷۷: (ورود به مسقط و وقایع)

ص ۱۱۷: (داستان بختیاری ها که پس از قصه خوانی رستم و سهراب شاهنامه ، بر اسب نشسته به کاروان ها می تازند و اموال را به سرقت میبرند و پارچه ها را به زنان ... داستان ریختن قند و لاجورد دزدی ، در جوی آب برای شیرین و رنگی کردن آن و اهدا به افراد قبیله.)

ص ۱۲۸: (وارد شیراز شده و مشاهده خرابی خانه ها از زمین لرزه چند سال قبل) ... در ایران شهرت دارد که شیرازی ها شیرترین مردم کشور می باشند، هم چیز دلالت بر صحت این گفتار دارد. آنان از لاتهای پاریس وقاحت و عشق و آزار رسانی را آموخته اند.

ص ۱۳۳: (شرح میهمانی در باغ شاهزاده طهماسب میرزا (مؤیدالدوله) والی فارس (پسر محمدعلی میرزا دولت شاه نوه فتحعلیشاه) و شرح ۱۰۰ فواره که بیست خدمتکار را مسئول

بودند سر تعداری از فواره ها ببندند تا از سایر فواره‌ها آب بیشتر بالا رود (چون آب کم است) و منظره دویدن و انجام کار ایشان دیدنی بود.

ص ۱۳۵: (داستان ملائی که برای مسلمان کردن پزشک سوئدی ساکن شیراز ، شب‌ها به خانه او سنگ می‌انداخت و دستگیری ملا توسط خود پزشک ، در حالی که حاکم معتقد بود ، سنگ اندازی کار شیطان است)

ص ۱۳۶: (معرفی حاجی قوام که مهر همه بزرگواران را ساخته بود و با حواله‌های جعلی و مهر خورده ، ادعای طلب ۱۰۰ هزار تومانی میکرده و چون قضات تابع او بودند طرف را محکوم و در نهایت با حالت بخشندهگی ۵۰ هزار تومان وصول میکرده)

ص ۱۶۱: ... آنچه ایرانیان دارند روحیه تفاهم، قدرت، مقایسه و نوعی انتقاد است که به آنها اجازه داده عناصری را که با هم بیگانه اند به نحو احسن در هم بیامیزند. ایران مانند کوره‌ای است که افکار و اختراعات دور و نزدیک را می‌گیرد و در هم می‌آمیزد و از مجموعه آنها شاهکارهایی به وجود می‌آورد به نظر من عمارت چهل ستون به تنهایی برای اثبات بسیاری از این حقایق کافی است.

ص ۱۷۹: (داستان، تربیت میرزا تقی خان امیرکبیر ، پسر آشپز کرمانشاهی در دستگاه قائم مقام بزرگ ، وزیر محمدشاه که بعدا پیشکار ناصرالدین شاه و سپس صدراعظم و

شوهر خواهرشاه شد او در برقراری نظم و احداث کارخانه و رشد صنایع بسیار فعال و با اروپاییان نظر مساعدی نداشت و میخواست دست آنان را کوتاه کند، چون خودش پاک دامن بود میخواست همه کارکنان دولت مثل خودش باشند و نفش اصلاح گری که امیر نظام از دولت به عهده گرفته بودف شامل دربار و خویشان شاه و حتی خود شاه هم شده بود که در نهایت با سعایت دشمنان ، اول به کاشان تبعید و سپس به قتل رسید.

ص ۱۹۳: ... مردم ثروتمند را در کربلا و نجف و افراد متوسط را در مشهد و با ثروت کمتر را در قم دفن می کنند

ص ۱۹۵: (ورود به تهران و ملاقات با ناصرالدین شاه)

ص ۲۰۰: (معرفی میرزا آقاخان نوری صدر اعظمی که جانشین امیرکبیر شده بود و همه کارهای دولت را انجام می داد به طوریکه سایر وزیران اسمی و تشریفاتی بودند ... به علاوه کارهای تجاری خود مثل (خرید و فروش برنج، ابریشم، نمک و گندم) انجام می داد. جمع آوری مال الاجاره املاک و مستغلات و همه کارهای مهم را به بستگان خود می دهد از جمله پسر ارشد او با لقب نظام الملک که نفر دوم بعد از خودش در حکومت بود. او بیوه امیرکبیر را به زنی گرفت (شوهر خواهر ناصرالدین شاه شد)

ص ۲۰۳: (شرح شیوع بیماری وبا در تهران)

ص ۲۰۸: ... نظر اروپاییان نسبت به مردم شرق (ایران) ، اگر به چپاولگری اروپاییان تن در بدهند، وحشیانی نا بالغ و کم عقل اند و اگر مقاومت کنند مردمانی خونخوارند.اروپا ناف دنیا و هرکه در آن قاره نباشد حق حیات ندارد.

ص ۲۰۹: ... به نظر آنان کسانی که لباس بلند می پوشند ، با دست غذا می خورند، روی زمین می نشینند ، به ترکی ، عربی ، فارسی ، هندی و یا چینی تکلم می کنند ، انسان نیستند. (این طرز تفکر را نویسنده قبول ندارد و انتقاد میکند)

ص ۲۱۳: ... باید اذعان کرد که استقلال ملی برایشان (ایرانی ها) مفهومی ندارد، و از دوران بعد از اسلام هرگز به سلسله های پادشاهان خود دل بسته نبوده و نیستند.

ص ۲۱۵: (داستان، اعلام جهاد توسط صدراعظم در مسجدی در تهران که مردم را چند ساعت حبس کرده بودند و صدراعظم دیر آمد و ملائی روی منبر در خواص نماز برای پولدار شدن می گفت ، مردم او را مسخره می کرده و می گفتند اگر راست می گویی خودت چرا ادعای فقیری می کنی با نماز خواندن پولدار نمی شوی ، و در نهایت آمدن صدراعظم و اظهار نیاز به جهاد داوطلبانه برای جنگ با انگلیس در واقعه هرات ، مردم توجه ای نکرده و استقبال نکردند و حرفی که مشروح و معروف بود ، جنگ کار دولت است و ما با کسی جنگ نداریم.

... اگر انگلیس پیروز شده و به تهران بیاید، با خرید بیشتر و دادن وجه خرید کالای مورد نیازشان وضع ما بهتر از این وضع فعلی می‌شود.

... در شیراز که عده‌ای داوطلب شدند فکر می‌کردند می‌خواهند به کمک انگلیس بروند و وقتی فهمیدند برای جنگ با انگلیس است که کشتی‌ها را در بندرعباس آماده حمله به ایران کرده و گفته اگر به حملات و گرفتن هرات تأکید شود به ایران حمله کرده و جنوب را می‌گیرد، مردم شیراز منصرف شدند.

ص ۲۲۳: (به نظر نویسنده ایرانیان از نوعی میهن‌پرستی برخوردارند که جاودانی است، یکدیگر را در داخل کشور دوست دارند و کشورشان را در وجود خودشان مجسم می‌بینند. اما با بی‌تفاوتی شاهد گذار حکومت‌های گوناگون از فراز سرشان می‌باشند، بی‌آنکه فریفته هیچکدام از آنان بشوند. لذا می‌توان گفت عاری از میهن‌پرستی سیاسی هستند.)

ص ۲۲۵: ... اگر از ظواهر قضاوت کنیم ، ایران کشوری اسلامی است ... مردم همیشه آیاتی از قرآن بر زبانشان جاری است . مومن ترین مدم روی زمین به نظر می‌رسند ... عباراتی مانند انشاءالله و ماشاءالله ، خداوند عالم ، حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله وسلم ... از اوشنیده میشود ، اما حقیقت غیر این است ، در هر حال از هر بیست نفر ایرانی که چنین قیافه ای به خود میگیرند مشکل ، یک نفر را بتوان یافت که به آنچه می

گوید ، واقعا اعتقاد داشته باشد . چگونه افراد این ملت به این تظاهر ریاکاری عمومی کشانده شده که هیچ کس را نمی فریبد با این وصف آنرا می پذیرند . به عقیده من ریشه این پدیده در دوران پیش از اسلام مرتبط می باشد .

(در زمان ساسانیان و رفتار موبدان است که نفوذ بسیاری در دولت یافته بودند. آنها امور دینی را با امور سیاسی آمیخته و چون مردم هم یک دین و آیین نداشته ولی در مقابل این موبدان اجازه اظهار نظر به هیچ دینی نداشتند ، موبدان بدتر از تفتیش عقاید مسیحیان رفتار می کردند و مخالفان را قلع و قمع می کردند، مثلاً کسانی را که کارشان سنگ تراشی و یا کار با آتش بود ، مانند نجس‌ها پست و ناپاک می دانستند و ورودشان به معابد ممنوع و حق زناشویی با خانواده‌های زرتشتی را نداشته ، مزدک موبدی مرتد بود که آتش نفرت این مردم را به سمت حکومت سوق داد ولی حکومت نتوانست آنان را ریشه کن کند ، لذا مخالفان مجبور شدند عقایدشان را مخفی و تقیه کنند و در آسودگی به کارشان و دین‌شان باقی باشند و دولت هم به روی خود نمی آورد تا مجبور به مبارزه دائمی نشود. اگرچه نظام مادی و دنیوی دیگر مختل نشد ولی نظام معنوی عمیقاً لطمه خورد و هرچند نکات اصل دین آنها فراموش شده و فقط نفرت از دین رسمی و موبدان در دل آنها قوی تر شد تا اینکه با ظهور اسلام این نفرت آشکار رشد و این مخالفان مخفی در شهر ها به استقبال اعراب و اسلام رفته و حاکمان را کشته و ثروتها را غارت می کردند

و دین جدید که بسیار آسان بود (اشهد ان لا اله الا الله محمد (ص) رسول الله). اسلام کاری به قلب و باطن اشخاص نداشت و در نتیجه مذاهب پنهانی را راحت می گذاشت. البته در دهات این روند ضعیف تر و مردم به دین زرتشت متعصب تر بودند.

مو بدن که در اثر ثروت و راحت زندگی کردن، اعتقاد واقعی را از دست داده بودند، با پذیرش کمک در حکومت داری به اعراب پیروز کمک کنند.

بدین سان روحانیون در جامعه ایران بسیار نیرومند ماندند و مردم همیشه به قضاوت آنان در امور مدنی نیاز داشتند.)

ص ۲۲۹: (در دوران صفوی که نخستین پادشاه در قرن ۱۶ بر تخت نشست، مسلمان واقعی نبود او یک صوفی بود ولی کمک روحانیان را قبول و به جای مبارزه با آنان برای کسب قدرت کامل با آنها سازش کرد و مبدا افزایش قدرت روحانیون شد.

طرفداری ایرانیان از آل علی مسبب پیدایش فرقه‌های گوناگونی شد. صفویه شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد و اطاعت بی چون و چرا از روحانیون واجب شد و هیچ اغماض و تساهل دینی در کار نبود. و بر خلاف قبل از صفویه، پس از آن دیگر از مردان درخشان علمی وجود ندارد.

ص ۲۳۳ : (شرح عقاید صوفیان ، اهل حق و شیخیه..)

ص ۲۳۵ : (داستان ورود درویشی که از کشمیر هندوستان آمده بود و در مهمانی والی تهران ، شاهزاده‌ای (از پسران فتحعلیشاه) که دنبال سنگ جهنم و کیمیا بود که در انتها پس از رفتن میهمانان . درویش خود را فرستاده دختری از پریزادگان معرفی کرد و گفت آن پریزاد عاشق شاهزاده شده و درخواست ازدواج دارد و رضایت شاهزاد را می‌خواست که شاهزاده جواب مثبت داد.

قرار شد شاهزاده برای مراسم ازدواج ، خانه‌ای خارج از شهر بدون نگهبان با لوازم و جواهرات گران قیمت تزئین کند و منتظر ورود آن باشد تا مراسم ازدواج و عروسی برگزار شود. روز بعد درویش همه آن اشیاء قیمتی را دزدید و برد. و این داستان در شهر پیچید که باعث مسخره و بدنامی و نهایتاً منجر به تبعید شاهزاده شد.

ص ۲۴۱: ... روحیه ملت آماده پذیرفتن مسائل خارق العاده و عجیب و قریب است.

ص ۲۶۴ : (آمار دقیق زرتشتیان در شهرها به تفکیک زن و مرد دختر و پسر که جمعاً ۸۲۵ نفر)

ص ۲۷۱ (وضع مردم)

(شاه از نظر شرعی و تئوری غیرقانونی و غاصب شمرده میشود و اطاعت از او را تنها به عنوان فرمانروای بالفعل و نه شرعی ، مجاز می‌داند. توضیح این تئوری عجیب چنین است ، مشروعیت در سلسله ساسانیان به حد کمال وجود داشت... وقتی ساسانیان در برابر هجوم اعراب سقوط کردند ، حضرت علی (ع) از هر جهت جانشین آنان شد ... ثانیاً به عنوان امام از این لحاظ حضرت علی (ع) تا ابد شاه ایران بوده و خواهد بود و سایر حقوقش طبعاً به اولادش منتقل شده است.)

(خلفا غاصب و همچنین پادشاهانی که در دوران خلفای بنی عباس بر ایران حاکم شدند چون اولاد امامان نبودند غاصب به شمار می‌روند.... سلاطین بعد از آنها بیشتر تبار ترک داشتند نیز غاصب بودند . لذا مردم رضایت دادند این پادشاهان تا شروع سلطان فعلی ناصرالدین شاه ، فرمانروای بالفعل ایران باشند نه قانونی و پادشاهان مجبورند در کارهای سلطنتی چند اتاق را مخصوص خودشان تعیین و کرایه آن را به مساجد بپردازند ، در غیر اینصورت نمی‌توانند در آن محل نماز بگذارند زیرا زمین آن غصبی است.)

ص ۲۷۳: ... روحانیون بلند پایه هرگز از شاه صدقه نمی‌پذیرند چون پولی که به آنان داده می‌شود، مشروع نیست و آنان را ناپاک می‌سازد، (داستان مجتهدی که به حضور محمدشاه رفت ولی با عصا فرش را کنار زد و روی زمین برهنه نشست و شاه آزرده شد.)

ص ۲۷۶) ... به زبان رسمی هیچ چیز ، جز لیاقت شرط ترقی نیسب (حتی آشپز، فراش ممکن است به مقام بالا برسد) ولی در عمل داشتن حامی و پارتنری قوی لازم است.

ص ۲۷۷: ... قدرت شاه محدود به تهران و آن هم به صورت تفویض دائمی اختیارات به صدراعظم است و در ولایات فقط یک وسیله برای مداخله دارد و آن عزل یا احضار حاکم (حاکم در ولایت مانند شاه عمل می کند)

... تاجر ایرانی جاه طلبی اجتماعی ندارد و در امور دولتی دخالت نمی کند و از هر توطئه‌ای بر کنار است احترام عمومی برایش ضروری است و با دقت آنرا پرورش می دهد. (بازرگانان به ملت و دولت وام می دهد با درصد سود ۲۴٪ تا ۶٪)

در مقابل وثیقه معبر و اگر نتوانست وام را بدهد، تملک وثیقه قطعی است چه شخصی و چه دولتی.

... پیشه‌وران در جامعه ایرانی بدون داشتن هیچگونه تعهدی نسبت به دولت در آزادی تمام زیست می کنند ، آنان در رشته‌های گوناگون به کار اشتغال دارند که در مجموع اصناف را تشکیل و از میان خود رییس و خزانه‌دار استخدام می کنند (مانند بازرگانان)

شبيه کشور ما کشور ما (فرانسه) که از رومیان باستان و آنها از آسیائیان آموخته بودند و بنابراین می توان گفت که سازمان کهنسال اصناف از زمان های بسیار کهن تا به امروز همچنان در ایران باقی مانده است.

...پیشهوران (مانند بازرگانان) به دولت مالیات نمی پردازند و تنها مالیاتی که از صنعتگران اخذ می شود، خودشان به نفع جیبشان دریاقت میدارند . یعنیبابت هزینه های مشترک بازار می پردازند که بسیار ناچیز است.

ص ۲۸۰: ... کارگر ایرانی زرنگ ، ماهر، پرکار، به سبک خودش زحمت کش است زیرا مایل نیست مانند کارگران اروپائی به خودش زحمت بدهد . فکر اینکه ده پانزده ساعت در روز یکسره کار بکند به مغزش خطور نمیکند و ضمناً کسی هم قصد تحمیل چنین کار سنگینی به او ندارد . (در اروپا کارها به قسمت های مختلف تقسیم و هر کارگر در آن قسمت مشخص می شود. کارگر ایرانی برخلاف کارگر اروپایی از کار جدید استقبال می کند و بیشتر دوست دارد از کارهای اروپاییان تقلید کند.)

ص ۲۸۲: ... هیچ ملتی روی زمین مثل ایران برای دلالی صلاحیت ندارد چون دلال باید زرنگ ، موقع شناس ، خوش صحبت ، متقلب ، پرحوصله و قدری روانشناس باشد و تمام این صفات در ایرانیان به خصوص در اصفهانی ها و شیرازی ها جمع شده است.

... همه ایرانی‌ها فروشنده‌اند یا هرچه را که دارند به گرو می‌گذارند.

... حتی شاه خواهرانش را گرو می‌گذارد، هیچ مرد و یا زنی نیست که مقروض نباشد.

... روزهای اول سال (برای هزینه‌های نوروز) و مرحله بعد محرم (برای برگزاری روضه و تعزیه) که وام می‌گیرند.

... می‌توان گفت همه افراد این ملت شغل دلالی را یک بار هم شده امتحان کرده است و می‌کند و در آینده نیز خواهد کرد.

ص ۲۸۴ و ۲۸۵: ... اربابان حقوق نوکرهایشان را نمی‌پردازند ، نوکرها نیز تا بتوانند از ارباب می‌دزدند، دولت به کارمندان حقوق نمی‌پردازد ، و به جای پول به آنها قبض حواله می‌دهد و کارمندان نیز مال دولت را می‌دزدند و رشوه می‌گیرند ، سرتاپای سلسله مراتب اجتماعی آکنده از تقلب بی‌اندازه و بی‌حد و حصر است و این دردی است درمان ناپذیر.

و این وضع موردپسند همه است و هرکس به سهم خود در آن بهره‌مند می‌شود و از دردسر نجات می‌یابد. علت نارضایتی مردم از امیرکبیر تغییر رویه بود. او حقوق کارمندان را می‌داد و آنها را از رشوه و کم کاری منع می‌کرد.

ص ۲۸۵: ... اگر در جامعه کنونی ایران طبقه‌ای وجود داشته باشد که با درستی و شرافت زندگی کند، سربازان پیاده نظام هستند. حاکم یک ناحیه مکلف است تعداد معینی سرباز برای ارتش منظم تأمین کند او این سهمیه را بین دهات قلمرو خود تقسیم می‌کند، کدخدایان دهات مزبور ابتدا ملایان، تجار و کسبه و طبعاً همه قوم و خویش‌های خودشان را معاف میکنند، سپس کسانی را که در خدمت اشخاص متنفذ هستند یا می‌توانند رشوه‌ای به مقامات عالی بدهند یا مأمورین زیردست مقام مزبور هستند، کنار می‌گذارند بنابراین از بین فقیرترین افراد سرباز گیری به عمل می‌آید (مضمون نوشته)

ص ۲۸۶: (رفتار لوطی ها ، داش مشتی های کج کلاه که کاری جز عرق خوری و قمه کشی ندارند)

ص ۲۸۸: ... وقتی سربازان را به اردو جنگی می‌برند ، دیناری به عنوان جیره به آنان پرداخت نمی‌شود ، سررشته داری در ایران وجود ندارد و بهمین جهت به سرباز نه اسلحه و نه غذا می‌دهند و اغلب سربازان مجبور می‌شوند در راه به علف بسنده کنند. بخش عمده‌ای از سپاهی که برای جنگ با ترکمن‌ها به سرحدات شمالی فرستاده بودند از گرسنگی تلف شدند سرباز ایرانی از نظرف هوش و شجاعت قابل ستایش است ... زیرا همین افرادی که چنین رفتاری با آنان می‌شود ، پا برهنه راه می‌روند ، تفنگ‌هایشان فاقد

چخماق است ، افسرانی مانند خودشان دارند . در جنگ اخیر با سر نیزه به انگلیس‌ها حمله ور شدند.^۱

ص ۲۹۰ : ... در این مورد باید به علاقه فوق‌العاده ایرانیان به مسافرت و نحوه‌ای که آن را انجام می‌دهند صحبت کرد.

... مالیات فقط از محصولات زمین اخذ و ... می‌شود مقدار آن ناچیز است و تحمیلی به کسی به شمار نمی‌رود چون اصولاً مردم مالیات شغل، مالیات تملک خانه و ساختمان، مالیات احشام و مالیات سرانه ... نمی‌پردازند و حتی نام مالیات‌ها مستقیم به گوششان نخورده است. زندگی در ایران بسیار ارزان است به طوری‌که در کرمانشاه هر خروار گندم را به طور متوسط به مبلغ ۵۰ شاهی می‌فروشنند. در تهران هزینه زندگی از همه نقاط کشور گران‌تر است یک خانواده معمولی (زن و شوهر و دو کودک) با ده شاهی در روز به راحتی زندگی می‌کنند.

ص ۲۹۹ : ویژگی‌های اخلاقی

^۱ - جنگ ۱۸۵۶ بین ایران و انگلیس که به شکست ایران و جدائی هرات انجامید

ص ۲۱۱ : (صیغه شدن زن برای یک سال، ۶ ماه، ۳ ماه یا کمتر و کم بودن تعدد زن‌ها
بعلت آسانی ازدواج و طلاق ... اولاد فتحعلیشاه بعد از سه نسل به قبیله‌ای ۵ هزار نفری
رسیده)

ص ۳۲۹ : (شرح ماه محرم و روضه خوانی آخوندی که بالای منبر می‌رود و ذکر حضور
یک فرانسوی به نام ژان در درباره یزید در روز ورود اسراء کربلا و اینکه این فرانسوی
سعی می‌کند نظر لطف یزید را به اسراسر جلب کند ولی موفق نمی‌شود . او چنان ناراحت
می‌شود که همانجا مسلمان و شیعه شده و در جا شهید می‌شود . پس از سخنرانی تعزیه
نمایش داده می‌شود)

ص ۳۳۱ : ذکر نتایج احتمالی روابط اروپا و آسیا ... برای من مسلم شده است که در
کشورهایی که سفر کرده‌ام ملت سیاسی به معنای واقعی و مفهومی که امروز به آن
می‌دهند وجود ندارد ، ایرانیان آنچه را که اعراب نمی‌توانند این عنوان را برخودشان
بگذارند ... ایرانیان آنچه را که برای اعراب درک نکردنی است می‌فهمند و با هوش و ذکاوتی
که دارند قادر به درک هر چیزی هستند اما فاقد ثبات روحی می‌باشند ، منطق سرشان
نمی‌شود و مخصوصاً مبانی اخلاقی آنان سست است .